

درک معنایی نخبگان و ذی‌مدخلان محلی از طرح انتقال آب رودخانه زاب به دریاچه ارومیه؛ ارائه مدلی داده‌بنیاد

حسین دانش‌مهر^۱

رشید احمد رش^۲

علیرضا کریمی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۰۴

چکیده

پژوهش کیفی حاضر به کمک نظریه زمینه‌ای انجام شده و در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که ذی‌نفعان و ذی‌ربطان حوضه مبدأ انتقال آب (رودخانه زاب) چگونه پدیده انتقال آب به دریاچه ارومیه را درک و تفسیر می‌کنند و از دیدگاه آنان، شرایط، تعاملات و پیامدهای این وضعیت چگونه بازتابی می‌شود. گردآوری و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه عمیق (۲۲ مصاحبه) و بحث گروهی (۸ بحث) به کمک نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت. نتایج به دست آمده نیز در قالب ۹۰ مفهوم اولیه، ۱۳ مفهوم محوری و یک مقوله هسته‌ای طبقه‌بندی شد. مقوله‌های محوری عبارت‌اند از: دگرگونی وضعیت معیشت مردم در مبدأ، افزایش حساسیت‌های قومیتی، رونق کشاورزی در زمین‌های مسیر انتقال آب، خسارات جبران‌ناپذیر به کشاورزی، مشکلات زیستی و روستازدگی در مبدأ، خشک شدن دریاچه ارومیه، تهدیدات سلامتی، تغییر الگوی کشت، دید امنیتی به پدیده انتقال آب، تغییر قیمت زمین، واگرایی اقوام، نگاهی میانجی‌گرایانه در انتقال، راهبرد زیست‌محیطی، تشدید فقر در مبدأ و هزینه‌بر بودن فرایند انتقال. هسته مرکزی که دیگر مقوله‌ها حول آن شکل گرفته و مدل نظری بر پایه آن سامان یافته است، از مخاطرات و پیامدهای انتقال آب محسوب می‌شود که در قالب خط سیر مطالعه تفسیر شده است. براساس یافته‌های پژوهش، ساکنان منطقه مدنظر به پدیده انتقال آب میان‌حوضه‌ای حساس هستند و آب را کالایی سیاسی تلقی می‌کنند که ممکن است به منشأ مناقشات جدی در منطقه تبدیل شود. به نظر می‌رسد مسئله انتقال آب بیش از آنکه تکنیک به‌شمار بیاید، حامل مسائل اجتماعی و فرهنگی است. در این میان، غفلت و بی‌توجهی به این مسئله، ضمن اینکه سرمایه‌گذاری‌های سنگین را با خطر مواجه می‌کند، تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی را به دنبال خواهد داشت. براساس یافته‌های پژوهش، انتقال آب مازاد در حوضه زاب و شهرهای سردشت و پیرانشهر، گزینه مطلوب و پایداری در شرایط اجتماعی و فرهنگی فعلی است. در مرحله اول، از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود کشاورزی و صنعتی منطقه استفاده می‌شود. در مرحله بعد نیز توسعه نامتوازن و بدقواره میان‌منطقه‌ای کاهش می‌یابد. در این صورت ضمن پایداری بهره‌برداری، مخاطرات ذکر شده نیز کم‌رنگ می‌شود.

واژه‌های کلیدی: انتقال آب، توسعه پایدار محلی، دریاچه ارومیه، رودخانه زاب، مخاطرات اجتماعی، نظریه زمینه‌ای.

۱. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)، hdaneshmehr@yahoo.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان کردستان، rahmadrash76@yahoo.com

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، karimionline@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

آب منبع طبیعی مهم و عنصری اساسی است که در فرایندهای حیاتی و پایداری همه موجودات زنده و توسعه پایدار جوامع بشری نقش بسزایی دارد (شیکلومانوف، ۲۰۰۰: ۱۶). این ماده حیاتی جزء منابع تجدیدشونده است، اما مقدار آب تجدیدشونده‌ای که به‌طور سالیانه در سطح کره زمین دریافت می‌شود، باید با مقدار آبی که در طول سالیان متوالی تجدید می‌شده است برابر باشد (محمودلی سامانی، ۱۳۸۴: ۳). در سطح جهان، شکاف عمیقی میان تأمین و شدت تقاضا برای آب وجود دارد که سبب ایجاد بحران می‌شود. هنگامی که نتوان این بی‌تعادلی را با مجموعه راهکارهای مدیریتی مهار کرد، بحرانی در ابعاد محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی آشکار خواهد شد؛ امری که در کشور ما با افزایش جمعیت، مدیریت نادرست مصرف، تغییرات جوی و گرم‌شدن زمین و خشک‌سالی‌های پی‌درپی، مقوله اجتماعی مهمی محسوب می‌شود. مدیریت منابع آب مانند سایر مقوله‌های اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی امری تک‌بعدی نیست و باید در ارتباط با آن (مدیریت، مصرف، انتقال و ذخیره)، ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی و امنیتی مدنظر قرار بگیرد. براین اساس، کشور ایران از یک‌سو در زمره مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان واقع است و از سوی دیگر، پراکنش بارش‌ها در مناطق گوناگون آن تفاوت فاحشی دارند؛ به‌طوری‌که این مهم، تفاوت‌های معناداری را در دسترسی به منابع آبی در مناطق مختلف کشور به‌وجود آورده است؛ از این‌رو سیاست‌گذاران و مصلحان توسعه، برای پرکردن این شکاف و دسترسی همه به منابع آبی مورد نیاز، مقوله انتقال آب را مطرح کرده‌اند. این مسئله زمانی بیشتر اهمیت می‌یابد که انتقال آب بین حوضه‌ای مطرح باشد؛ جایی که مرزهای قومی، استانی و منطقه‌ای بدون ملاحظه درنور دیده می‌شود و مسائل اجتماعی پیش‌رو بدون ارزیابی پیامدهای احتمالی قابل‌درک نیستند. طی سه دهه اخیر، به‌جای مدیریت‌کردن محدودیت‌های طبیعی و افزایش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سازگاری، مقوله‌ها و چالش‌های انسان‌ساخت بسیاری برای منابع آب کشور به‌وجود آمده است. در آغاز، به‌طور عمده با ساخت انواع سدها سعی شد تا سیلاب‌ها و تولید انرژی و آب‌رسانی برای مصارف گوناگون مدیریت شود. علاوه‌براین، در حوزه کشاورزی نیز به دلایلی مانند تلفات انتقال آب از منبع به محل مصرف، تلفات زیاد آب در مزارع کشاورزی، شکل و اندازه نامناسب مزارع در ارتباط با میزان

آب و نحوه آبیاری، استفاده نکردن از شیوه‌های مناسب آبیاری و کارایی پایین آن و آگاهی کشاورزان از بهینه‌سازی مصرف آب، تلفات آبیاری بیشتر از میانگین آن در سطح جهان است (محمدی و علیپور، ۱۳۹۶)، اما از یک دهه پیش، طرز فکر جدیدی در کشور درباره نحوه مدیریت آب شکل گرفته است؛ انتقال آب بین حوضه‌ای. آنچه وزارت نیرو در افق سال ۱۴۰۰ در مورد طرح جامع منابع آب کشور پیش‌بینی کرده این است که تا آن زمان باید حدود ۹۸/۳ میلیارد مترمکعب آب جابه‌جا شود. به بیان دیگر، انتقال آب بین حوضه‌ای، جابه‌جایی فیزیکی آب از حوضه‌ای به حوضه دیگر است. در این فرایند، یک حوضه آبریز به‌عنوان حوضه مبدأ آب از دست می‌دهد (حلبیان و شبانکاری، ۱۳۸۹) و حوضه آبریز دیگر، به‌عنوان حوضه مقصد، آب به‌دست می‌آورد (قدرت‌نما، ۱۳۸۹). آب انتقالی ممکن است آب سطحی، زیرزمینی یا آب‌های بازیافتی و نامتعارف باشد. حوضه‌های مبدأ و مقصد در یک استان را نیز می‌توان از نظر تقسیمات سیاسی، بیش از یک استان یا بیش از یک کشور در نظر گرفت.

در سال‌های اخیر، مشکل آب در ایران با کوچک‌شدن دریاچه ارومیه (بزرگ‌ترین دریاچه ایران، سومین دریاچه نمک جهان و بزرگ‌ترین دریاچه نمک خاورمیانه) بیش‌ازپیش مطرح شده است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵). بی‌توجهی به این مسئله، مشکلات زیست‌محیطی، مخاطرات اجتماعی، مهاجرت گسترده، از بین رفتن نظم اجتماعی در منطقه و معضلات راهبردی را به‌دنبال خواهد داشت. به‌منظور احیای دریاچه ارومیه، چندین طرح انتقال بین‌حوضه‌ای یعنی انتقال آب از دریای خزر، رودخانه ارس و رودخانه زاب پیشنهاد شده که از این میان، انتقال آب از حوضه آبریز زاب به تصویب رسیده است و در حال حاضر در مرحله اجرا قرار دارد (قنواتی و همکاران، ۱۳۹۴). اهمیت مقوله آب و وضعیت بحران آبی در ایران به‌خوبی در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس بازنمایی شده است؛ به‌طوری‌که بررسی وضعیت آب در کشور نشان می‌دهد در ۱۰ سال اخیر، میزان بارندگی حدود ۱۱ درصد از متوسط بلندمدت کاهش یافته و به‌تبع آن حجم جریان سطحی در دوره مشابه حدود ۴۴ درصد کمتر شده است.

باید توجه داشت که کاهش مقدار بارندگی به‌دلیل خشک‌سالی و تغییر اقلیم صورت می‌گیرد، اما کم‌شدن حجم جریان سطحی علاوه‌بر این امر، به‌دلیل برداشت‌های بالادست نیز صورت می‌گیرد. براین‌اساس، در پانزده سال اخیر مجموع حجم مخازن سدها در کشور

حداکثر تا نصف از آب پر شده است. از سوی دیگر، از ۶۰۹ دشت در کشور، ۳۵۵ دشت به دلیل افت سطوح سفره آب زیرزمینی ممنوع اعلام شده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶). همچنین براساس آمارها، سبقت‌گرفتن تخلیه از منابع آب زیرزمینی از تغذیه آن‌ها، تقریباً از سال ۱۳۵۷ آغاز شده است. هم‌اکنون مقدار تجمعی این آب حدود ۱۲۰ میلیارد مترمکعب است که نزدیک به یک‌چهارم کل ذخیره استاتیک آن‌هاست. وضعیت همه چاه‌های کشور هم نشان می‌دهد حدود ۴۵ درصد آن‌ها غیرمجاز هستند. وابستگی مصارف کشور به آب‌های سطحی و زیرزمینی نیز به ترتیب ۴۵ و ۵۵ درصد تخمین زده شده است. از سوی دیگر، به دلیل تغییر اقلیم، متوسط دمای سالانه شهرهای ارومیه، تبریز، اصفهان، تهران، مشهد، اهواز، زاهدان، شیراز، قزوین، کرمانشاه، کرمان، گرگان، رشت، اراک، بندرعباس و یزد در پانزده سال اخیر، از متوسط بلندمدت حدود ۰/۶ درجه سانتی‌گراد بیشتر شده است. همچنین میزان آب تجدیدپذیر کشور در سال‌های اخیر حدود ۳۲ درصد از متوسط بلندمدت کاهش داشته است که این رقم بسیار چشمگیر است (همان).

با توجه به آنچه بیان شد، امروزه آب در ایران به کالایی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است که برای آن مبادله، مجادله و انواع سیاست‌گذاری‌ها تحقق پیدا خواهد کرد؛ از این‌رو در مقاله حاضر، با استفاده از رویکرد تفسیری و روش نظریه‌مبنایی، به درک معنایی نخبگان و ذی‌مدخلان محلی پیرامون طرح انتقال آب رودخانه زاب به دریاچه ارومیه پرداخته شد تا بتوان تفسیرها درمورد تجربه زیسته این پدیده را در میان ذی‌نفعان جامعه مورد مطالعه بررسی کرد و درنهایت مدل نظری داده‌محور از آن ارائه داد. براین‌اساس، پرسش بنیادین پژوهش حاضر این است که مردمان منطقه و نخبگان مبدأ انتقال آب، یعنی حوضه رودخانه زاب، چگونه سیاست پدیده انتقال آب را درک و تفسیر می‌کنند. همچنین ساکنان این جامعه چگونه پدیده انتقال آب بین حوضه‌ای را در نظام معنایی خود درک می‌کنند.

در این مطالعه، با رویکردی تفسیری و با نگاهی درونی به موضوع، این مقوله بدون ارائه تبیین علی از بیرون نسبت به درک پدیده انتقال آب و پیامدهای آن (رویکرد اتیک) در حوزه ادراک و تفسیر ساکنان این جامعه بررسی و از دیدگاه آن‌ها به این موضوع پرداخته شد.

همچنین شرایط یا بسترها، تعاملات و پیامدهای انتقال آب از حوضه آبریز زاب به دریاچه ارومیه در نظام معنایی این جامعه بررسی شد.

چارچوب مفهومی پژوهش

در بررسی‌های کیفی به‌جای به‌کارگیری چارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی برای استخراج پرسش یا پرسش‌های پژوهش استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم و موضوعات عمده مورد نظر تمرکز دارند و آن‌ها را در قالب نظامی نسبتاً منسجم و مرتبط معنایی به یکدیگر پیوند می‌دهند (ریچی و لويس، ۲۰۰۵). مفهوم ذی‌مدخل^۱ را نخستین بار مؤسسه تحقیقات استنفورد^۲ در سال ۱۹۶۳ مطرح کرد. پس از آن، پژوهشگران حوزه‌های مختلف از قبیل منابع طبیعی، مدیریت کسب‌وکار، مدیریت پروژه و سیاست‌گذاری، تعاریف و راهکارهایی را با توجه به ویژگی‌های فضای علمی خود ارائه دادند. پروژه‌ها ممکن است ذی‌مدخلان محدود یا متنوعی داشته باشند. هرچه تعداد آن‌ها بیشتر باشد، مدیریت آن‌ها و تحقق هم‌زمان خواسته‌هایشان سخت‌تر است. همچنین انگیزش ذی‌مدخلان متنوع به راهکارهای گوناگونی نیاز دارد. انتقال و توزیع آب در گستره حوضه رودخانه‌های مرزی، پروژه چند ذی‌مدخلانه بزرگ محسوب می‌شود. در شرایط اجرا، این نوع پروژه‌ها به مشارکت همه ذی‌مدخلان نیاز دارند. شاید هر یک از این گروه‌ها، به روشی متفاوت انگیزه لازم را برای همکاری و تعامل در این‌گونه پروژه‌ها به‌دست آورد. به همین دلیل، شناسایی گروه‌های ذی‌مدخل، برقراری ارتباط با آن‌ها و توجه به دیدگاه‌های آنان، اهمیت بسیاری در روند تصمیم‌گیری و اجرا دارد.

براساس تعریف بانک جهانی توسعه، ذی‌مدخلان، مردم/ جوامعی هستند که می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، مثبت یا منفی بر نتایج پروژه‌ها یا برنامه‌ها اثرگذار باشند. همچنین با توجه به این سند، ذی‌مدخلان به دو دسته اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند. ذی‌مدخلان اولیه شامل ذی‌نفعانی هستند که به‌طور مستقیم در معرض مداخله‌گر توسعه‌ای (مثبت یا منفی) قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، آنان مردم محلی هستند که در محدوده طرح/ برنامه قرار

1. Stakeholder
2. Stanford Research Institute

دارند. به طور مشخص گروه‌های فقیر و حاشیه‌ای که تاکنون به طور سستی از مشارکت در طرح‌های توسعه‌ای بازمانده‌اند، در این دسته قرار می‌گیرند. ذی‌مدخلان ثانویه کسانی هستند که به طور غیرمستقیم از عنصر مداخله‌ای توسعه تأثیر می‌پذیرند. این افراد شامل وام‌گیرندگان از دولت، کارکنان پروژه در سطح ستادی/ وزارتخانه، دستگاه‌های اجرایی، دولت‌های محلی، سازمان‌های مدنی اجتماعی (انجمن‌ها)، شرکت‌های بخش خصوصی، بانک‌ها و دیگر سازمان‌های توسعه‌ای درگیر هستند (بانک توسعه آفریقا، ۲۰۰۱: ۶)

برقراری ارتباط سازمان‌یافته با ذی‌مدخلان^۱

با توجه به حساسیت موضوع و ماهیت مطالعه (برنامه‌ریزی راهبردی توسعه ناحیه‌ای (آمایش) در قلمرو سرزمینی حوضه رودخانه‌های مرزی)، برقراری ارتباط با ذی‌مدخلان براساس تعاریف فوق، گامی مهم در تحلیل واقع‌بینانه وضعیت موجود در منطقه مورد مطالعه است. بدون این مهم، لایه‌های اجتماعی تأثیرگذار در منطقه شناسایی نمی‌شود و ممکن است معارضت‌ها و کشمکش‌های اجتماعی در منطقه افزایش یابد. در این صورت، طرح‌های توسعه‌ای علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های سنگین، به شکست منجر می‌شوند و بستر بی‌اعتمادی را در گستره فضای اجتماعی جامعه محلی فراهم می‌کنند. براین اساس توجه به شناسایی ذی‌مدخلان از دو منظر برای تبیین مسئله اهمیت دارد. نخست اینکه براساس پژوهش‌ها و مستندات موجود، حوضه‌های آبریز کشور و پراکندگی میزان بارش در این حوضه‌ها، با توزیع مکانی بارش ناموزون همراه است؛ به طوری که ۲۷ درصد بارش تنها در چهار درصد از سطح کشور و ۷۳ درصد دیگر آن در ۹۶ درصد مساحت کل کشور صورت می‌گیرد. در نتیجه، براساس پراکنش نامطلوب جغرافیایی و پراکنش نامطلوب زمانی بارش، سدسازی و انتقال آب بین حوضه‌ای الزامی برای مدیریت آب کشور (به‌ویژه در این یک دهه بحرانی و خشک‌سالی) است؛ به طوری که اگر این انتقال به موقع و صحیح صورت نگیرد، بخش مرکزی ایران خالی از سکنه خواهد شد. باید توجه داشت که سیاست انتقال آب بین حوضه‌ای دستورالعملی فراگیر برای حل بحران در گستره ایران زمین نیست؛ زیرا با ارائه راهکارهایی مانند تغییر الگوی کشت در استان‌های دارای تنش و بحران آبی و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی استان‌های

برخوردار از منابع آبی می‌توان پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این سیاست‌گذاری را کاهش داد.

دوم اینکه از دیدگاه کارشناسان حوزه آب ایران، در کشور ما خطر وقوع جنگ‌های داخلی بر سر آب بسیار بیشتر از جنگ‌های بین‌المللی برای آن است؛ به طوری که از ۱۳۸۰ درگیری سیاسی در جهان طی ۵۰ سال اخیر، ۵۰ مورد به دلیل مسئله آب بوده که ۳۰ مورد آن در خاورمیانه رخ داده است. به زعم پژوهشگران حوزه دیپلماسی آب، پروژه‌های انتقال این سرمایه همیشه محلی برای تنش‌های سیاسی بوده است. این مسئله در ایران هم مشاهده می‌شود؛ به طوری که از سال ۱۳۷۹ تاکنون حداقل ۲۰ تجمع اعتراضی مرتبط با پروژه‌های انتقال آب شکل گرفته است (سبزینه، ۱۳۹۵: ۶).^۱ اگر با این پدیده عقلانی برخورد نشود و ارتباط مستمر و دوطرفه‌ای با ذی‌مدخلان این حوزه صورت نگیرد، به جای حل مسئله آب، باید به دنبال رفع مشکلات اجتماعی، قومی، امنیتی و دیگر تنش‌های بازتولید شده در محدوده‌های انتقال آب باشیم؛ امری که به خوبی نشان‌دهنده بازتاب تصمیم‌گیری از بالا به پایین درباره مردمی است که قربانیان و متضرران اصلی این سیاست‌گذاری‌ها هستند.

در این مطالعه، به منظور شناسایی ذی‌مدخلان برای برنامه‌ریزی راهبردی توسعه ناحیه‌ای (آمایش) در قلمرو سرزمینی رودخانه زاب، بحث‌های گروهی و مشارکتی در سطح دو شهرستان زیر حوضه آبریز (سردشت و پیرانشهر) صورت گرفت. در سطح ذی‌مدخلان نیز نهادها و اداره‌های ذی‌ربط مانند جهاد کشاورزی، اداره آب و فاضلاب، اداره برق، بخشداری و فرمانداری، منابع طبیعی، محیط‌زیست، شیلات و نهادهای آموزشی قرار دارند. در سطح دیگر ذی‌مدخلان اهالی روستاها، کشاورزان، اعضای شورا و دهیار و معتمدان و منتفذان، سطح جامعه را دربرمی‌گیرند.

الزامات قانونی مسئله

در بند «ه» ماده «۱۷» قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی قید شده است که طرح‌های انتقال آب

۱. گواهی این مدعا تجمع شهرکردی‌ها در اعتراض به تونل بهشت‌آباد، تجمع اهوازی‌ها به دلیل طرح‌های انتقال آب کارون، تجمع اهالی شهر بلداجی در استان چهارمحال و بختیاری به علت انتقال آب تالاب چغاخور، تجمع دوستداران محیط‌زیست منطقه اورامانات به دلیل ناپدیدشدن سرچشمه کانی بل ... است.

بین حوضه‌ای از دیدگاه توسعه پایدار با رعایت حقوق ذی‌نفعان و برای تأمین نیازهای گوناگون مصرف، مشروط به توجیهات فنی، اقتصادی، اجتماعی و منافع ملی مدنظر قرار بگیرد. در بند «ک» ماده «۱۰۴» قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تصریح شده است که پیش‌نیاز اجرایی طرح‌هایی از قبیل انتقال آب بین حوضه‌ای که در آن‌ها احداث سد نیز پیش‌بینی شده است، با عملیات آبخیزداری، حفاظت خاک و کنترل فرسایش آن صورت بگیرد.

در اصل ۴۵ قانون اساسی آمده است که آب جزء انفال و سرمایه ملی تلقی می‌شود؛ بنابراین سیاست وزارت نیرو این است که منابع آب هر منطقه‌ای تنها به مردم آن منطقه تعلق ندارد، بلکه آن‌ها در اولویت بهره‌برداری و استفاده بهینه از آن آب‌ها قرار دارند و دسترسی به آب برای شرب و بهداشت حق همگان است. همچنین با رعایت اولویت بهره‌برداری، طرح‌های انتقال آب پس از مطالعات اقتصادی، اجتماعی، فنی و زیست‌محیطی صورت می‌گیرد.

در برنامه ششم توسعه، اهمیت آب تنها به بخش کشاورزی محدود نشده، بلکه به‌طوری فراگیر سه مؤلفه تحول در سبک زندگی، نظام اقتصادی و سازگاری با شرایط محیطی و جغرافیایی نیز مدنظر قرار گرفته است. قوانین و معیارهای سازمان جهانی یونسکو برای طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای به شرح زیر است:

۱. حوضه مبدأ نباید با کمبود جدی آب مواجه شود؛
۲. کیفیت محیط‌زیستی در حوضه‌های مبدأ و مقصد تهدید و تخریب نشود؛
۳. اجرای طرح نباید سبب بروز اختلالات اساسی اجتماعی و فرهنگی شود؛
۴. منافع خالص ناشی از اجرای طرح به‌طور عادلانه میان حوضه‌ها تقسیم شود (یونسکو،

(۲۰۰۸).

با توجه به موارد فوق در باب اهمیت انتقال آب از دیدگاه ذی‌مدخلان، از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی برای بررسی این مطالعه استفاده شد. براساس آن، با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان و سیال بودن واقعیت اجتماعی نمی‌توان مسیر و روش خاصی برای درک واقعیات یا تغییر در آن‌ها پیشنهاد کرد (نیومن، ۲۰۰۶) تصمیم‌گیری درباره مقوله آب در هر کشوری، اغلب براساس ارزش‌های فرهنگی غالب در آن جامعه صورت می‌گیرد. همین امر در مورد

پذیرش راه‌حل‌ها نیز صادق است. باید هنگام صدور «راه‌حل‌های فناورانه» از کشوری به کشور دیگر، به این امر توجه کرد. همچنین ضروری است به بستر ارزش‌هایی که این راه‌حل‌ها در آن توسعه یافته‌اند، همچنین به زمینه ارزش‌هایی که راه‌حل‌های مدنظر در آن‌ها اجرا خواهند شد، توجه کرد؛ مصداق این عبارت که «چیزی که در یک مکان مؤثر می‌افتد، الزاماً در مکان دیگر کاربرد ندارد» (شلوالد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲).

از آنجا که منبع و مرجع نهایی هرگونه ساخت‌وساز و تغییر در واقعیات اجتماعی انسان است، درک او از واقعیات، تغییر در آن‌ها و چگونگی معنادارکردنشان بسیار مهم است. افزون بر این، با توجه به اینکه واقعیات اجتماعی به‌مثابه امور برساخته انسانی، قوانین ازپیش تعیین‌شده‌ای ندارد و پیوسته در حال شدن است، نمی‌توان الگویی جهان‌شمول و عام برای واقعیات اجتماعی و تغییر در آن‌ها وضع کرد. این واقعیات قابل‌کشف و کنترل نیستند، بلکه تنها می‌توان آن‌ها را درک و تفسیر کرد (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۸۴). این رویکرد که بر اصالت انسان در برابر اصالت محیط تأکید دارد، بر این باور است که واقعیات‌ها در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها و در خلال زندگی روزمره ساخته شده‌اند و معنادار می‌شوند؛ بنابراین نه‌تنها نحوه درک و فهم انسان‌ها از واقعیات‌ها اهمیت دارد، بلکه با اشکال متعددی نیز همراه است. براین‌اساس، ما نه با یک واقعیت واحد و مشخص، بلکه با واقعیات‌های متعدد و گوناگونی روبه‌رو هستیم (دنزین و لینکلن، ۲۰۰۵). همچنین براساس این رویکرد، از آنجا که تفسیر و درک مردم از دنیای پیرامون خود، در بستر اجتماعی زندگی روزمره شکل می‌گیرد، معانی وابسته به بستر است و درون آن معنا می‌یابد.

روش‌شناسی پژوهش

مهم‌ترین دلیل انتخاب هر روشی، ماهیت و نوع پرسش پژوهش است؛ از این‌رو رویکرد کیفی برای پژوهشی مناسب است که ادراک معنا یا ماهیت تجربه افراد را دنبال کند و دانسته‌ها و مطالعات اندکی در آن زمینه موجود باشد (حریری، ۱۳۸۵: ۴۰؛ فلیک، ۱۳۹۲: ۱۳). در این پژوهش، انواع ابعاد برای درک بهتر آثار این‌گونه طرح‌ها (انتقال آب بین‌حوضه‌ای) سنجیده شد. برای کسب اطلاعات جامع با خطای کمتر نیز از روش کیفی استفاده شد؛ زیرا با پژوهش کیفی می‌توان از

تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده کرد و از لابه‌لای صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان به اهداف خود دست یافت. اطلاعات این نوع پژوهش به کمک ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست‌نخورده به دست می‌آید (محمدپور، ۱۳۹۲: ۹۳).

هر پژوهش کیفی حتی اگر طراحی ضعیفی داشته باشد، می‌تواند بر نظریه‌سازی تأثیرگذار باشد (آلاستاری، ۱۹۹۶: ۳۸۲)؛ بنابراین روش‌شناسی کیفی ابزارهای لازم را برای توجه به معنا، قدرت و تعامل در حیات اجتماعی فراهم می‌کند و قدرت عاملیت بیشتری به سوژه‌های مدنظر در پژوهش‌ها می‌دهد (ذکایی، ۱۳۸۱: ۱). در پژوهش حاضر، از رویکرد نظریه‌زمینه‌ای^۱ به‌عنوان رویکرد اصلی پژوهش کیفی، همچنین از فنون مصاحبه‌های نیمه‌باز عمیق بحث گروهی و سنجه‌های غیرواکنشی (اسناد و مدارک) استفاده شد. افزون بر این، به‌جای پیش‌فرض‌های نظری، داده‌ها و میدان در اولویت قرار گرفتند. در روش نظریه‌مبنایی، برخلاف رهیافت قیاسی که با نظریه‌ای کلی آغاز می‌شود، شروع کار با مشاهده است و بر پژوهش استقرایی تکیه می‌شود. البته این بدان معنا نیست که پژوهشگران از پیش، اندیشه‌ها یا انتظاراتی نداشته باشند (فلیک، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

در پژوهش‌های کیفی که روند پژوهش تعداد نمونه را تعیین می‌کند، نمونه‌گیری با منطقی تدریجی همراه است؛ بنابراین برای دستیابی به مقصد اصلی گراند تئوری، یعنی نظریه‌ای در باب پژوهش باید نهایت توجه را در تعیین نمونه برای گردآوری داده داشت (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۴: ۴۹). همچنین نمونه‌هایی انتخاب شود که به بهترین نحو آثار مشخص انتقال آب را در ذهنیت خود داشته باشند تا بتوان از تجربه زیسته آن‌ها برای رسیدن به اهداف مذکور بهره برد. این عمل که گزینش هدفمند یا مبتنی بر معیاری خاص نامیده می‌شود، در پژوهش حاضر نیز مدنظر قرار گرفته است؛ بدین معنا که در انتخاب افراد و مناطق مورد نظر در منطقه مورد مطالعه (که تحت پوشش این انتقال قرار گرفته‌اند)، در اولویت اول ارتباط و تجربه زیسته افراد با چارچوب‌های مکانی خاص، متأثر از این انتقال بوده است. بدین‌منظور افراد و مناطقی انتخاب شدند که از انتقال آب زاب به دریاچه ارومیه تأثیر پذیرفتند؛ بنابراین به کمک نمونه‌گیری هدفمند، افرادی بررسی شدند که جزو ذی‌مدخلان پروژه بودند.

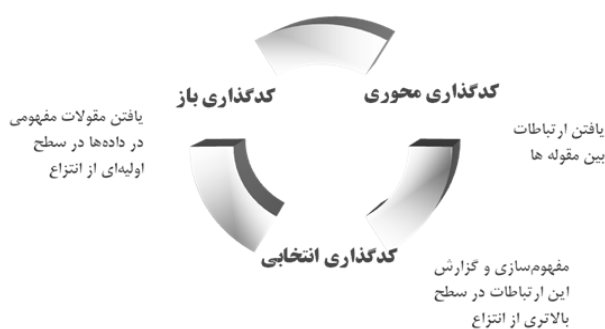
1. Grounded Theory Approach

با توجه به هدف پژوهش حاضر که درک معنایی نخبگان و ذی‌مدخلان محلی از مسئله انتقال آب زاب به دریاچه ارومیه است، با سه گروه متفاوت از افراد مصاحبه شد؛ افراد عادی (افرادی که در شغلی غیر از کشاورزی فعالیت داشتند)، کشاورزان (افرادی که شغل اصلی آن‌ها کشاورزی بود) و گروه نخبگان محلی (باسودان منطقه که مدرک دانشگاهی داشتند و به‌نوعی در عرصه جامعه مدنی فعال بودند). در مجموع ۲۲ مصاحبه عمیق انجام شد. همچنین ۸ بحث گروهی با نخبگان در سطح نهادهای دولتی ذی‌ربط در سطح دو شهرستان سردشت و پیرانشهر صورت گرفت؛ به‌طوری‌که با انجام این مصاحبه‌ها و برگزاری بحث گروهی، اشباع داده‌ها حاصل شد.

جدول ۱. مشخصات نمونه‌های مورد مطالعه

ردیف	محل سکونت	سطح تحصیلات	سن
۱	سردشت	فوق لیسانس	۳۸
۲	سردشت	دکتری	۳۷
۳	پیرانشهر	فوق لیسانس	۳۲
۴	پسوه	ابتدایی	۵۵
۵	پسوه	کم سواد	۵۰
۶	پسوه	دیپلم	۵۱
۷	چپانه	فوق دیپلم	۴۳
۸	پیرانشهر	ابتدایی	۳۴
۹	سردشت	سیکل	۴۹
۱۰	پیرانشهر	لیسانس	۴۵
۱۱	امیرآباد	ابتدایی	۳۵
۱۲	سردشت	لیسانس	۳۶
۱۳	امیرآباد	ابتدایی	۴۱
۱۴	لک‌بن	سیکل	۳۹
۱۵	پیرانشهر	دکتری	۳۳
۱۶	لک‌بن	دیپلم	۵۴
۱۷	گردکشانه	سیکل	۴۰
۱۸	امیرآباد	ابتدایی	۴۲
۱۹	سردشت	فوق لیسانس	۳۰
۲۰	پیرانشهر	دکتر	۳۸
۲۱	شین‌آباد	دیپلم	۴۶
۲۲	چپانه	راهنمایی	۵۳

همچنین فرایند تحلیل داده‌ها، طی سه مرحله کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی^۳ صورت گرفت. در این مراحل که به صورت پیوسته دنبال می‌شوند، مصاحبه‌ها به صورت خط‌به‌خط تحلیل و کدگذاری شدند. در ابتدا و در قالب کدگذاری باز، به هر مفهوم در مصاحبه برجسیب الصاق شد. همچنین براساس ویژگی‌ها و ابعاد هر مفهوم، بسیاری از کدهای باز و خام پدیدار شدند. در ادامه و در مرحله کدگذاری محوری، هریک از کدهایی که از نظر مفهوم و خصایص مرتبط بودند، گردآوری و به محوریت یک مقوله سازمان‌دهی شدند. بدین ترتیب پس از فرایند خردکردن مصاحبه‌ها به کدها و زیرمقوله‌ها در کدگذاری باز، در این مرحله (کدگذاری محوری) به مرتبط کردن و دسته‌بندی آن‌ها حول محور موضوعات اصلی پرداخته شد. کدگذاری گزینشی نیز با استفاده از انتخاب مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مضمون اصلی پژوهش مؤثر به نظر می‌رسیدند، دنبال شد. کفایت نمونه‌گیری، استفاده از مصاحبه‌های ساختاریافته و ثبت و تفسیر داده‌ها نیز به‌عنوان معیارهای تعیین اعتبار در این پژوهش استفاده شدند.



منبع: مداحی، ۱۳۹۲

براین اساس در پژوهش حاضر، از میان ۳۴۵ جمله خام پاسخگویان، ۹۰ مفهوم اولیه و ۱۳ مقوله عمده حاصل شد. برآیند تجزیه و تحلیل این مقوله‌های عمده، مقوله مرکزی بود که شرح آن‌ها در یافته‌های پژوهش آمده است.

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding

معرفی منطقه مورد مطالعه

شاخه‌ای از رودخانه زاب، از ارتفاعات سیاه‌کوه واقع در مرز ایران و عراق (پیرانشهر) سرچشمه می‌گیرد. آب شعبه‌هایی مانند «چم لاورین»، «چم بادین» و «جانداران» به تنگه گرزال می‌ریزد. این رود در مسیر خود با رودهای بزرگ و کوچک دیگری، از راه رودخانه «تیت» وارد خاک عراق می‌شود و سپس به دجله عراق می‌رسد.

وسعت حوضه آبرگیر این رودخانه در ایران حدود ۳۵۰۰ کیلومترمربع است و دارای دبی سالانه ۴۶/۳۶۱ مترمکعب در ثانیه و آبدهی ۲/۴ میلیارد مترمکعب در سال است. پروژه طرح انتقال آب زاب، شامل سه سد شیواشان، گرزال و سردشت در حومه سردشت از توابع آذربایجان غربی است که هدف از اجرای آن‌ها انتقال مازاد آب زاب کوچک به حوضه‌های مجاور و استفاده بهینه از پتانسیل منابع آب منطقه است. این پروژه در نهایت موجب انتقال ۹۶۰ میلیون مترمکعب آب در سال خواهد شد. طرح انتقال آب زاب به دریاچه ارومیه، شامل ساخت تونل انتقال آب کلاس به‌منظور انتقال بخشی از آب رودخانه لاورین (سرشاخه اصلی رودخانه زاب) به طرف حوضه آبریز دریاچه ارومیه و دشت نقره است. انتقال آب این رودخانه به کمک تونلی با طول ۳۵۷۰۰ متر امکان‌پذیر خواهد بود (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵).

یافته‌های پژوهش

با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه عمیق (۲۲ مصاحبه با ذی‌نفعان) و بحث گروهی (۸ بحث گروهی با ذی‌مدخلان) که در روش‌شناسی به آن‌ها پرداخته شد، واکاوی درک پاسخگویان از پدیده انتقال آب از حوضه آبریز به حوضه آبریز دیگر صورت گرفت. این ابزارها مناسب‌ترین شیوه گردآوری اطلاعات و دستیابی به تجربه زیسته کنشگران و تفسیر آنان از پدیده مورد مطالعه هستند. پرسش بنیادین این پژوهش آن است که ساکنان منطقه مبدأ انتقال آب، یعنی حوضه رودخانه زاب، چگونه سیاست پدیده انتقال آب را در نظام معنایی خود درک و تفسیر می‌کنند. با توجه به جدول ۲، در مرحله نخست (کدگذاری باز) ۹۰ مفهوم اولیه استخراج شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری، ۱۳ مقوله استخراج شد که براساس پیوستار و منطق معنایی در قالب خط داستان، با یکدیگر مرتبط شدند. در نهایت، در مرحله کدگذاری انتخابی،

مقوله محوری هسته استخراج شد. مقوله هسته‌ای این پژوهش، مخاطرات و پیامدهای انتقال آب است. در ادامه، مدل زمینه‌ای برآمده از پژوهش حول این پدیده ارائه می‌شود.

جدول ۲. مفاهیم، مقوله‌های عمده و هسته مرکزی استخراج شده از داده‌های کیفی پژوهش

مقوله مرکزی	مقوله‌های عمده	مفاهیم
مخاطرات و پیامدهای انتقال آب	دگرگونی وضعیت معیشت مردم در مبدأ	کاهش فعالیت‌های کشاورزی، بیکاری، تنگناهای ایجاد شغل جدید، نبود پتانسیل برای ایجاد شغل جایگزین، مهاجرت گسترده روستاییان، توجه مهاجران روستایی به شغل‌های کاذب، از بین رفتن معیشت پایدار
	افزایش حساسیت‌های قومیتی	منتفع شدن روستاهای اطراف دریاچه ارومیه، متضرر شدن روستاهای ناحیه انتقال آب (کردنشین)، احساس بی‌اعتمادی اقوام به یکدیگر، مدیریت پلیسی خطوط انتقال آب، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای مناقشه پایدار، امکان سوءاستفاده از وضعیت فعلی با شبکه‌ها و رسانه‌های مجازی
	رونق کشاورزی در زمین‌های مسیر انتقال آب	زیر کشت رفتن اراضی کنار کانال، رونق محصولات آبی زمین‌های مسیر طرح، آبی شدن اراضی، رهاشدن اراضی دیم مبدأ، رونق صنایع پایین‌دستی بخش کشاورزی، تثبیت جمعیت مناطق روستایی محدوده
	خسارات جبران‌ناپذیر به کشاورزی	خدماتی شدن جامعه کشاورزان، بی‌ارزش شدن اراضی، کاهش عملکرد تولید در هکتار، بازده ضعیف محصولات، کشت معیشتی و خانوارمحور، ناتوانایی رقابت در نظام بازار، نابودی و رهاشدن فعالیت‌های کشاورزی
	مشکلات زیستی و روستا زدگی در مبدأ	بی‌فایده بودن زندگی در روستا، ترس از آینده روستانشینی، متروکه شدن روستا، خالی شدن مناطق روستایی از جمعیت، ناامنی در مناطق مرزی
	خشک شدن دریاچه ارومیه	نمک‌زایی دریاچه، بی‌آبی دریاچه ارومیه، احیای کلی دریاچه ارومیه، کویری شدن دریاچه، طوفان‌های سهمگین زیست‌محیطی، مواجهه زندگی ساکنان اطراف دریاچه و شهرهای پیرامون با مخاطره
	تهدیداتی برای سلامتی	افزایش ریزگردها، امکان ابتلا به بیماری‌های ریوی و تنفسی، نمک‌زاشدن دریاچه در فصول گرم، کم‌آبی و بیماری‌های واگیردار در درازمدت
	تغییر الگوی کشت	کاهش مقدار تولید در هکتار، زراعی شدن باغ‌ها، هکتاری شدن زمین‌ها، کاهش سطح زیر کشت آبی، غرقابی کردن زمین‌ها، جلوگیری از مکانیزه شدن کشاورزی، فاصله گرفتن از سرمایه‌داری ارضی
	دید امنیتی به پدیده انتقال آب	تعارض‌های قومی، تهدید امنیت ملی، چالش‌های منطقه‌ای فقر در نوار مرزی، سرمایه‌گذاری مضاعف به‌عنوان پدیده جایگزین
	تغییر قیمت زمین در مبدأ	ارزان شدن زمین‌ها، بی‌توجهی به زمین کشاورزی، بی‌رونتی خریدوفروش، ناکارآمد بودن زمین‌ها، امکان تغییر کاربری اراضی

ادامه جدول ۲. مفاهیم، مقوله‌های عمده و هسته مرکزی استخراج شده از داده‌های کیفی پژوهش

مقوله مرکزی	مقوله‌های عمده	مفاهیم
	واگرایی اقوام	فاصله‌گیری و منطقه‌بندی کردن اقوام، بی‌اعتمادی اقوام به دولت، تقویت بنیه مالی یک قوم در برابر قوم دیگر، قطع امید از دولت، مشارکت نکردن در طرح‌های توسعه‌ای، کاهش شور و شوق مشارکت سیاسی، بی‌اعتمادی به برنامه‌های توسعه
	نگاهی میانجگرایانه به انتقال	احترام به حقابه مردم در مبدأ، از بین رفتن و رونق کشاورزی در مبدأ، ممنوعیت مصرف بی‌رویه آب دریاچه، توجه به شیوه‌های صحیح مدیریت آب، مصرف آب در مبدأ با استفاده از طرح‌های توسعه‌ای مانند احداث باغ و...
	راهبرد محیط‌زیستی	کشت محصولات کم‌آب، کشت محصولات شورپسند، پرکردن چاه‌های اطراف دریاچه، کاهش تعداد سدهای اطراف دریاچه، استفاده از آبیاری قطره‌ای، توقف چاه‌های بدون مجوز، دیمی کردن دوباره زمین‌های نابارور اطراف دریاچه، هکتاری شدن زمین‌های اطراف دریاچه، توانمندسازی کشاورزان در استفاده از سیستم‌های نوین آبیاری
	تشدید فقر در مبدأ	از بین رفتن امکان منابع معیشتی، نبود اشتغال جایگزین، کاهش درآمد کشاورزی، نبود برنامه پایدار توسعه برای مناطق روستایی، تشدید نابرابری منطقه‌ای
	هزینه‌بر بودن فرایند انتقال	صرف هزینه‌های زیاد، سرمایه‌گذاری کلان، نیاز به سازه‌های گران‌قیمت، زمین‌های از دست‌رفته در مسیر، تملک اراضی خطوط انتقال آب، گرفتن شانس استقرار صنایع آب‌بر در منطقه

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

الف) مقوله‌های علی

• خشک شدن دریاچه ارومیه

زندگی بدون آب معنا و مفهومی ندارد. توان‌های محیطی آب به‌نوعی است که شاکله اصلی توسعه پایدار و از جمله مسائلی محسوب می‌شود که در تمام برنامه‌های توسعه مدنظر قرار می‌گیرد. در بن‌مایه این پژوهش که درمورد آب است، باید به خشک شدن و تغییرات خود دریاچه توجه شود که علل اصلی پدیده است. این دریاچه که میانگین تراز سطح آب آن ۱۲۷۷/۰۶ متر است و با تغییرات سالانه یک متر و گاهی بیشتر فرق می‌کند، در سال‌های اخیر به موانع طبیعی مانند خشک‌سالی و موانعی غیرطبیعی از جمله احداث سدهای زربینه، مهاباد، علویان و سهند ورودی آب به دریاچه ۷۰۰ میلیون متر مکعب کاهش یافته است.

شما تصور کنید این دریاچه تا کجاها آب داشت. زندگی ما و کل خاطراتی که

داشتیم با این دریاچه رقم خورده؛ از شنا در حواشی اون گرفته تا استفاده از سواحل آن برای کارهای تفریحی. زندگی به نوعی وابسته به آن بود و نعمت بزرگی داشتیم. متأسفانه امروزه به علل مختلف داره محو می شه و آبی نمی بینی (۵۵ ساله).

تبدیل شدن دریاچه به خشکی که سرتاسر مساحت آن را فراگرفته، به باور بیشتر ساکنان آن منطقه، شبیه کویری است که در نقاط گوناگون ایران وجود دارد. پس روی آب سبب شده است که پهنه های گسترده شورزارها نمایان شود و با برخورد هوا و طوفان، این نمکها به اطراف مناطق مسکونی و کشاورزی کشانده شود که عواقب متعددی دارد. مسئله دیگر این است که این بی آبی به بسیاری از موجودات زیستی که نیازمند آب هستند، ضربه می زند و پیکره آنها را به کلی از بین می برد.

واقعاً فقط برید به دریاچه نگاه کنید. اصلاً اگر ماشین دارین برید چرخنی داخل دریاچه بزنین و برگردین. آخه غیر خشکی چی می بینین واقعاً؟ هیچی. این شده زندگی ما کنار دریاچه که نه آبی داره، نه هیچی، فقط نمکه و کویر (۴۳ ساله).

از نظر تاریخی و تجربه زیسته نسل قبل و مقایسه با تجربه امروزی می توان شواهدی را یافت که حتی هویت افرادی را که زندگی آنها با این دریاچه رقم خورده، با چالش روبه رو کرده است. همچنین پیوستار وجود دریاچه در زمان قدیم و پرآب و زمان حال خشک و کویرگونه سخن به میان می آورند.

• تهدیداتی برای سلامتی

بی شک خشکی این پهنه ۵۰۰۰ کیلومترمربعی، میراث خوشایندی برای ساکنان مجاور آن نخواهد بود. در این میان، تجربه های موجود بیانگر بروز شرایط سخت و بسیار ناگواری است. پدیده ناخوشایند خشک شدن دریاچه آرال (۲۰۰۷-۲۰۱۰) یکی از این موارد است که به دنبال آن مردم آسیای میانه به دلیل طوفان های ناشی از خشکی این دریاچه با بیماری های فراوانی از قبیل آسم، عفونت های سینوسی، برونشیت، عفونت گوش و گلو، سرطان ریه و بیماری های قلبی و عروقی مواجه شدند.

از وقتی دریاچه رو به خشک شدن رفته می توان حس کرد که خیلی از بیماری ها از جمله بیماری تنفسی به خاطر وجود ریزگردها در منطقه باب شده. اصلاً نمی توانستی تا این حد بیماری تنفسی در این منطقه ببینی، ولی امروزه دقیق می توان حسش کرد (۳۴ ساله).

طوفان‌های گردوغبار ناشی از خشک‌شدن دریاچه آون کالیفرنیا در سال ۱۹۹۰ نمونه دیگری از این موضوع است که سبب اپیدمی بیماری تب دره در آمریکا شد که عامل آن نوعی قارچ بود. خشک‌شدن دریاچه ارومیه نیز به‌مرور زمان عامل چنین بیماری‌هایی در کشور و به‌ویژه منطقه‌ای خواهد شد که به‌طور مستقیم از این پدیده بهره می‌برند. در پژوهش عبدالله‌زاده (۱۳۹۴) افزایش سرطان سینه بعد از رشد خشکی دریاچه بررسی شده است.

مدتی که از طرح عمومی آزمایش سرطان سینه بدون هزینه حرف می‌زنم. این خشکی دریاچه به زن‌ها هم آسیب زده و احتمالاً علت این بیماری که رو به افزایش خشکی دریاچه باشه (۳۷ ساله).

چنانکه مشاهده می‌شود، پیامدهای بهداشتی-زیست‌محیطی به‌مرور افزایش یافته است که اگر با طرح‌های مختلف از خشک‌شدن بیشتر آن پیشگیری نشود، سال‌های متمادی افراد بیشتری با این مسائل دست‌به‌گریبان خواهند بود که این امر علاوه بر خطرات جانی، هزینه‌های زیادی برای اقتصاد خانوار و نظام بهداشتی به‌دنبال خواهد داشت.

• خسارات جبران‌ناپذیر به بخش کشاورزی

براساس شواهد تاریخی، تمدن‌های باستانی در مناطقی شکل گرفتند که از نظر موقعیت جغرافیایی و زیست‌محیطی، امکان فعالیت کشاورزی در آن‌ها امکان‌پذیر بوده است. بخش کشاورزی یکی از پایه‌های مهم توسعه اقتصادی و رشد و نشر فناوریانه است. این مهم در دنیای معاصر، ضمن جلوگیری از خارج‌شدن ارز، خودکفایی، خوداتکایی، مقاومت در مقابل تکانه‌های سیاسی و اجتماعی را به‌دنبال دارد. این بخش به‌اندازه‌ای مهم است که صاحب‌نظران توسعه، آن را موتور محرک اقتصادی روستاییان تلقی می‌کنند، اما با روند خشک‌شدن دریاچه ارومیه، بسیاری از سکونت‌گاه‌ها و بهره‌برداران دچار بحران در حوزه‌های فوق شدند.

هرچند خیلی کم، می‌شه گفت یکی از علل خشک‌شدن دریاچه، استفاده نادرست کشاورزان اطراف از آب و نحوه استفاده از اونه، ولی این رو به‌طور جد باید قبول کرد در مناطقی که زیرساخت‌های اقتصادی خوبی نداشته باشه، کشاورزی تنها گزینه است؛ خصوصاً مناطقی که مستعد این کاره و کوهستانی

نیست، ولی با این خشکی دریاچه ارومیه، کشاورزان با مشکلات فراوانی دست‌به‌گریبان و تنها منبع درآمد آن‌ها از این راه (۴۹ ساله).

این خشکی که سبب تخریب تنوع زیستی و ناپایداری منابع آبی شده است، زندگی مردمانی را که با معیشت کشاورزی گره خورده، با مشکل روبه‌رو کرده است. براساس تجربه‌های میدانی و مصاحبه‌ها، بیشترین ضربه معیشتی به قشر کشاورزان وارد شده است؛ از این‌رو آن‌ها از کشت محصولاتی مانند چغندر که بلایی برای دریاچه ارومیه بود، به کشت محصولات دیگر و عمدتاً کم‌بازده روی آورده‌اند.

بسیاری از افراد با این روند دیگه از کشاورزی دست کشیده و به کارهای خدماتی روی آورده و میارن (به‌خاطر خشک‌سالی و بازده کم دیم‌کاری) (ساله ۳۸).

این مقوله اشاره به این امر دارد که کشاورزان به دنبال خشک‌شدن دریاچه، با مشکلات معیشتی فراوانی روبه‌رو شده‌اند. این منطقه منابع خاک و آب مناسبی دارد و تکثر زیستی در آن مشاهده می‌شود. کشاورزی نیز می‌تواند سبب توسعه متوازن و ثمربخش سطوح مختلف محلی، ناحیه‌ای و ملی شود.

• دگرگونی وضعیت معیشت مردم

در جامعه سنتی و بدون سیستم‌های نوین آبیاری، که کشاورزی پایه اصلی معیشت ساکنان است، با خشک‌شدن دریاچه و تبدیل زمین‌های آبی با راندمان بالا به زمین‌های دیمی، و کشت محصولات در سطح کم، درآمد کشاورزان روبه‌روز کاهش می‌یابد و سطح زندگی آنان در ابعاد عینی رو به افول می‌رود.

کافی تنها به وضعیت کشاورزای این منطقه توجه کنین، متوجه می‌شید تا چه اندازه مردم با مشکل تأمین زندگی روبه‌رو شدن (۴۵ ساله).

مسئله کاهش فقر و ایجاد سطح بالاتری از درآمد و اشتغال یکی از کلیدی‌ترین اهداف توسعه است. اگر هدف توسعه را به‌طور مشخص رهایی از چنگال فقر و کاهش آن به‌کمک اشتغال، تأمین حداقل نیازهای اساسی قابل قبول برای همه، بالابردن بهره‌وری، تعادل بیشتر میان حوزه‌های جغرافیایی، کاهش شکاف طبقات اجتماعی و اقتصادی، تمرکززدایی و مداخله مردم در تصمیم‌گیری، تأکید بر اعتماد به نفس جمعی و ملی و توازن و بهبود کیفیت محیط زندگی

تعریف کنیم، جوامع روستایی و کشاورزان یکی از کانون‌های مهم رسیدن به این اهداف هستند. با وجود این، اگر آب کافی برای تأمین معیشت آن‌ها وجود نداشته باشد، چندان نمی‌توان به این امر و آینده توسعه منطقه امیدوار بود.

مگه می‌شه بدون وجود آب به کشاورزی ادامه داد و بعدش انتظار داشت زندگی خودتو و خانوادتو تأمین بشه. اصلاً نمی‌دونم این خشک‌شدن از کجا شروع شده که وضعمون شده این (۵۱ ساله).

مقوله فوق بیانگر امر مهمی در زندگی فرد است که وجود آن آثار اجتماعی-فرهنگی و سیاسی فراوانی دربرخواهد داشت. به تعبیر جامعه‌شناسان، فقر، فقر می‌زاید و به‌طور معمول فرزندان فقرا در محرومیت باقی می‌مانند. استفاده نکردن از امکانات بالقوه اقتصادی، نبود سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری، کمبود تقاضا برای نیروی کار، پایین بودن مرزها و رشد منفی از آثار اقتصادی فقر است؛ زیرا فقرا به‌سبب محرومیتی که دارند به احتمال زیاد از تحصیلات لازم بی‌بهره می‌مانند و دچار دیگر تله‌های محرومیت می‌شوند.

ب) مقوله‌های راهبردی

• دید امنیتی به انتقال آب

مبنای دید امنیتی به پدیده انتقال آب در باور مصاحبه‌شوندگان، گزاره امروزی از امنیت است. در جریان مهار و انتقال آب، بافت جامعه روستایی از بین می‌رود؛ بدین معنا که مردم روستانشین، شهرنشین می‌شوند و عمدتاً در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. از سوی دیگر، مناطق مرزی متأثر از طرح انتقال آب خالی از سکنه و جولانگاه نیروهای تندرو، رادیکال و ناراضی می‌شود که این امر مخاطراتی را برای امنیت منطقه و کشور به دنبال دارد. از دیدگاه بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، این تنها طرحی ساده نیست، بلکه باید نگاهی امنیتی به آن داشت.

نمی‌شه با نگاه اینکه این پروژه عادی و زیاد مهم نیست، این طرح رو اجرا کرد. امروزه آب یکی از شاکله‌های اصلی امنیت کشوره؛ چون به شدت داریم کم شدن آب رو در سطح زمین مشاهده می‌کنیم (۳۵ ساله).

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این باره بیان کرد:

مردم در جایی که آب نداشته باشد، زندگی نمی‌کنن، بلکه به فکر مهاجرت و کوچ می‌افتن. در جایی که مردم وجود نداشته باشن، خراش امنیت زودتر اتفاق می‌افته (۳۲ ساله).

• محیط‌زیستی

یکی از مقوله‌های راهبردی توجه به مبدأ و چگونگی مواجهه مردم، به‌ویژه کشاورزان با مسئله آب است. به‌زعم آنان، نباید راه‌حل خشک‌نشدن دریاچه ارومیه را در مقدار آب انتقالی جست‌وجو کرد، بلکه باید ارزیابی‌های اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی برای اهالی منطقه مبدأ را صورت‌بندی کرد. گیرم که آب رو انتقال دادن. بعد اون چی؟ اگر اوضاع مثل قبل پیش بره که باز کشاورزا و بهره‌بردارا هر کاری برای سود شخصی خواستن انجام می‌دن. بازم که دریاچه مثل الان می‌شه. اصلاً به نظرم بهتره به نحوه مصرف اهالی مقصد توجه کرد (۳۶ ساله).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد باید الگوی کشت براساس مقدار آب و نوع خاک اراضی برنامه‌ریزی شود. امروز که دریاچه ارومیه با بحران کمبود آب مواجه است، نمی‌توان هر محصولی را زیر کشت برد. رعایت‌نکردن این مسئله، ضربه نهایی را بر پیکر نیمه‌جان دریاچه وارد خواهد کرد. من الان خودم کشاورزم. نباید فقط در فکر یک سال زمینم باشم. مثلاً کل آب را مصرف کنم. هر سال محصولی بکارم که بعد چند سال بدتر بشه. اون نواحی برای محصولاتی خوبه که از آب شور بهره بهتری می‌برن یا اینکه محصولاتی رو بکارن که آب کمی لازم داشته باشه (۵۱ سال).

یکی دیگر از موارد مهم، وجود چاه‌های فراوان و بدون مجوزی است که بیش از موارد دیگر بر پیکر دریاچه ارومیه ضربه وارد کرده و آن را خشکانده است. ادعای اهالی مقصد طرح، به‌خوبی نمایانگر این مهم است:

دقیقاً نصف درد این دریاچه به‌خاطر وجود چاه‌های بی‌مجوز است که هر کی زورش رسیده یک چاه زده یا به‌نوعی شلنگ‌های انتقال آب گذاشته یا نه در مواردی با ماشین آب می‌بردن (۳۸ ساله).

• نگاهی میانجی‌گرایانه در انتقال آب

در جامعه‌ای که از نظر فرهنگی و قومی متکثر است، یکی از وظایف دولت توجه به این تنوعات و احترام به ارزش‌های آنان است. تنوع قومی مانند تیغ دو لبه عمل می‌کند؛ از یک‌سو ممکن است مزیت‌ها و هم‌زیستی و از سوی دیگر تبعاتی امنیتی و مناقشه‌برانگیز را به دنبال داشته باشد. این وضعیت در میدان انتقال آب یعنی استان آذربایجان غربی موضوعیت دارد؛ جایی که تنوع قومی، زبانی و مذهبی به‌وضوح مشاهده می‌شود. طرح انتقال آب زاب چنانکه مرزهای جغرافی-قومیتی آن مشخص است، از مناطق کردنشین به‌سوی دریاچه‌ای سرازیر می‌شود که بیشتر قوم ترک در اطراف آن زندگی می‌کنند.

به‌نظر من نفع ملی در اینه که حقوق هر دو قوم با آنکه تجربه زیسته با هم داریم، رعایت بشه و به یک اندازه در آن سود داشته باشیم. به‌کلی نمی‌گم با این طرح مخالفم و اجرا نشه، ولی خب باید زندگی ما رو هم به‌عنوان قوم کرد و قومی از دیار ایران بعد از انتقال آب درنظر بگیرن و زندگی رو بیشتر از این دچار مشکلات نکنن (۳۹ ساله).

براساس نتایج پژوهش، توجه به حساسیت‌های فوق در اجرای طرح انتقال آب، یکی از ارکان مهم پایداری پروژه و بهره‌برداری بهینه از آن است. بدون توجه به منافع جامعه مبدأ، سرمایه‌گذاری سنگین در این حوزه در درازمدت با مخاطرات جدی مواجه می‌شود.

مقوله‌های پیامدی

• تغییر الگوی کشت

یکی از مقوله‌های پیامدی این پژوهش، اشاره به تغییر الگوی کشت است. با انتقال آب رودخانه زاب، بدون تردید مناطقی که امروزه از این راه امرارمعاش می‌کنند، با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند؛ بدین معنا که امروز با وجود آب مکفی، محدودیت در نوع کشت وجود ندارد و حداکثر بازده در هکتار مشاهده می‌شود، اما با انتقال آب نه‌تنها این امر موضوعیت نخواهد داشت، بلکه این مقدار اراضی آبی نیز، به اراضی دیم تبدیل خواهد شد. زمین کشاورزی با آب معنی پیدا می‌کند. حتی تقسیم‌بندی زمین به‌خاطر آب،

ولی اگه آب نباشه چی؟ یا مقدار آبی که یک محصول بخواد، اگر تأمین نشه زمینا کمتر بازدهی پیدا می‌کنن (۳۹ ساله).
مصاحبه‌شونده دیگری بیان می‌کند: با این انتقال احتمال می‌ره بیشتر زمین‌های کشاورزی که به آب بیشتری در سطح نیاز دارن، تغییر کاربری بدن. دیگر محصولات پرآبی که انتظار داشته باشی مثل امروز نتیجه بدن، بیهوده است. حتی باغ‌ها نیز احتمال داره از بین برن (۳۳ ساله).

با این روند، سرمایه‌داری اراضی و مکانیزاسیون کشاورزی، به سرعت افول می‌کند و بحران کم‌آبی، تقطیع اراضی را نیز به دنبال خواهد داشت.

• تشدید فقر در مبدأ

معیشت اصلی ساکنان منطقه، حاصل کشت و زرع اراضی است. براساس نتایج پژوهش و مشاهدات میدانی، دیگر منابع معیشتی در منطقه وجود ندارد. درآمد کشاورزان بر مبنای سالیانه نشانه‌گذاری شده و تمامی برنامه‌ریزی‌ها و کمبودهای احتمالی براساس این منبع درآمدی است. به نظر من کسی که فک می‌کنه کشاورز غیر از کار کشاورزی درآمد دیگه‌ای داره، کشاورزا رو نشناخته. آخه من با این سن و سال می‌تونم برم شهرستان و دور از خانه کار دیگه‌ای کنم (۵۴ ساله).

در جامعه مورد مطالعه، کشاورزی با زندگی فرد روستایی گره خورده است. در ادبیات کلاسیک توسعه روستایی، فرد روستایی همان کشاورز بود، اما در ادبیات جدید این دیدگاه تصحیح شده است و ورود صنعت، خدمات و فناوری تعریف بازتری از معیشت فرد روستایی را به دنبال دارد. براساس نتایج پژوهش، کشاورزی از پایه‌های اصلی زندگی افراد روستایی منطقه است که در حال حاضر نمی‌توان دیگر شیوه‌های اشتغال را جایگزین آن کرد. در شرایط انتقال آب، زمین‌هایی که اکنون با سیستم‌های نوین آبیاری تغذیه می‌شود، به زمین‌هایی دیمی تبدیل خواهند شد که کاملاً وابسته به نزولات آسمانی هستند. در چنین شرایطی واضح است که درآمد کشاورزان نیز به پایین‌ترین حد خود می‌رسد.

• تغییر قیمت زمین

ارزش زمین کشاورزی علاوه بر مرغوب بودن خاک، به میزان دسترسی به آب مطمئن نیز بستگی

دارد. در منطقه مورد مطالعه، با توجه به وجود آب کافی و خاک مرغوب، که درآمد کافی را برای صاحبان آن به همراه دارد، خرید و فروش اراضی، مرسوم و در زمره اولویت‌های اول سرمایه‌گذاری برای صاحبان سرمایه است. این مسئله گرایش به تغییر کاربری اراضی را از بین برده است. به نظر می‌رسد یکی از پیامدهای احتمالی انتقال آب، تغییر در قیمت و ارزش اراضی محدوده باشد. در مرحله اول، کاربری از زراعی به مسکونی تغییر می‌کند. در مرحله دوم نیز قیمت زمین‌های کشاورزی از زمین‌های مسکونی و صنعتی کاهشی محسوس می‌یابد. به اعتقاد من وقتی که زمین آب چندانی نداشته باشد و بازدهی آن به‌مرور پایین بیاید، ارزش اون نیز به شدت کم می‌شه و تا جایی ادامه پیدا می‌کنه که دیگه مسکونی کردن یا اجاره دادن برای کار دیگه‌ای، ارزش بیشتری داره (۴۰ ساله).

انتقال آب در معنای خود از آنجا که زمین کشاورزی به شدت به آن وابسته است، بر زمین تأثیر می‌گذارد و به شدت از ارزش زمین کشاورزی می‌کاهد.

• هزینه بر بودن

انتقال آب عبارت است از انتقال فیزیکی آب از یک حوضه آبریز به حوضه دیگر. این انتقال علی‌رغم رفع کمبودها می‌تواند منشأ تغییرات زیای در حوضه‌های مبدأ و مقصد باشد که باید از دیدگاه‌های مختلف ارزیابی شوند. یکی از این دیدگاه‌ها، بخش اقتصادی آن است. غیر از پیامدهای اقتصادی آن در حوضه‌های مبدأ و مقصد، هزینه‌های دیگری (احداث سازه‌ها، حفر تونل، کانال و...) در انتقال نهفته است که بسیاری آن را با نتیجه‌بخش بودن پروژه (احیای دریاچه ارومیه) می‌سنجند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بر این باور است که:

این پروژه هزینه‌های به شدت سنگینی می‌خواد که باید واقعاً در مقایسه با نتیجه آن برآورد کنی؛ یعنی واقعاً دریاچه ارومیه با این مقدار آب انتقالی احیا می‌شه؟ واقعاً خیلی سخته. به نظر من تنها هزینه‌های اضافی هست که خرج می‌کنن و مبدأ را نیز دچار مشکل می‌کنن (۳۶ ساله).

• افزایش حساسیت‌های قومی

انتقال آب از حوضه‌ای به حوضه دیگر در دو سطح همگنی و ناهمگنی فرهنگی، تحلیل‌های

متفاوتی را به وجود می‌آورد. ناهمگنی فرهنگی بیان‌کننده شرایطی است که جوامع انسانی محدوده‌ها از دو قوم متفاوت باشند. استان آذربایجان غربی همیشه با یکپارچگی و هم‌زیستی دو قوم کرد و ترک معنا پیدا کرده است و هر دو این اقوام دلبستگی و تعصبی خاص به موطن خود و سرزمین ایران دارند. از زندگی در شهر ارومیه گرفته تا شهرستان‌ها، امتزاج فرهنگی و هم‌زیستی به‌خوبی بازنمایی شده و در بسیاری از مواقع اولویت‌ها و خواست‌های منطقه‌ای بر اولویت و خواست‌های قومیتی برتری داشته است. در احداث این پروژه باید به این امر مهم توجه ویژه‌ای شود و نباید این انتقال مبنای حساسیتی قومی را برانگیخت.

من خودم الان ۵۳ ساله در این منطقه زندگی می‌کنم و ماهی کم کم با ۳ یا ۴ ترک‌زبان تعامل دارم و با اون‌ها حرف می‌زنم. نخیر، من نه. بچه‌های ما که در دانشگاه ارومیه یا خود شهر یا شهرهای ترکیبی زندگی می‌کنن، همیشه همدیگرو می‌بینن. واقعاً الان لازمه من بگم، اگه مایحتاج ما با توجه به نظر کارشناسان تأمین بشه، مشکلی با این انتقال نداریم، ولی با دید یک‌جانبه‌نگرانه جز افزایش تنش‌ها و جانب‌داری طرح از مناطق ترک چیزی به ما نمی‌رسه و زندگی چندین سال مسالمت‌آمیزانه با مشکل روبه‌رو می‌شه (۵۳ سال).

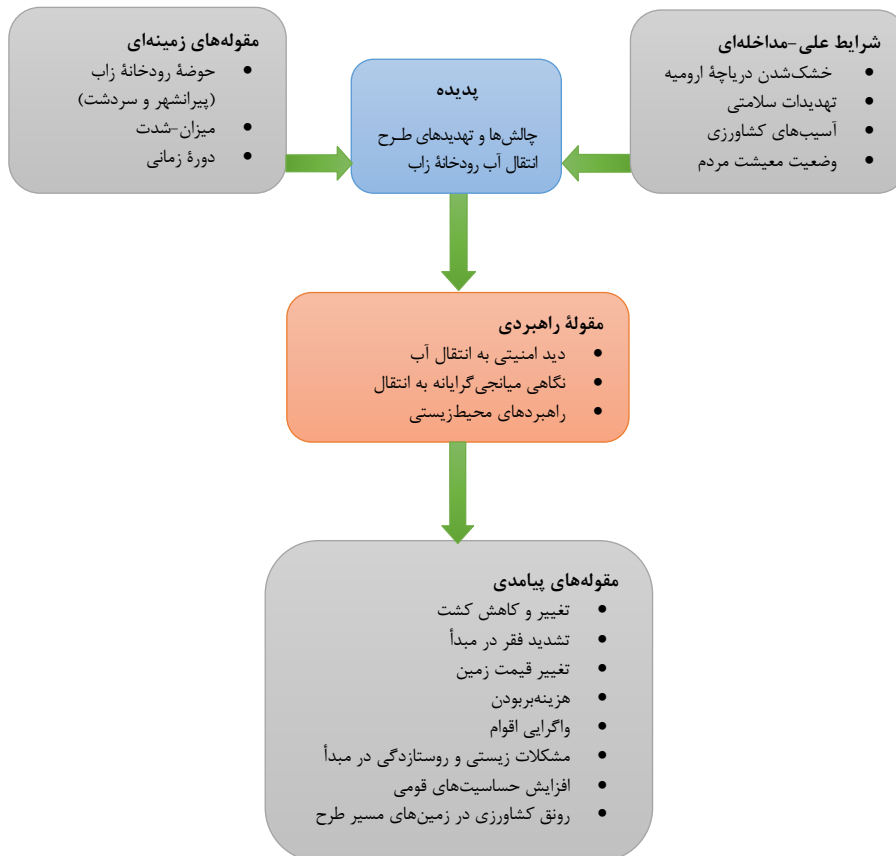
• رونق کشاورزی در زمین‌های مسیر طرح

یکی دیگر از مقوله‌های استخراج‌شده، رونق کشاورزی در سکونتگاه‌ها و اراضی مسیر طرح انتقال آب به دریاچه ارومیه است. به استناد اطلاعات جمع‌آوری‌شده و مشاهدات میدانی می‌توان گفت در مسیر انتقال آب، اراضی‌ای که تا به امروز دیم یا رها شده بودند، از سامانه نوین آبیاری تأثیر پذیرفته‌اند. از این منظر، ساکنان مسیر انتقال آب که زمین دارند، جزو ذی‌نفعان و برندگان پروژه محسوب می‌شوند. از دیدگاه یکی از مصاحبه‌شوندگان:

در انتقال این طرح، جدا از افرادی که در مقصد هستن، بلکه افرادی که نزدیک به مناطق زندگی و کشاورزی آنهاست این طرح رد می‌شه و سود می‌برن؛ یعنی مناطقی وجود داره که زمین‌های آنها امروزه کم‌آب و دیمی هستن، ولی با اجرای این طرح زمین آنها نیز پر آب و پربرکت می‌شه (۳۸ ساله).

براساس نتایج پژوهش، افراد مبدأ طرح انتقال آب، از بازندگان پروژه هستند و زیست

جهان آن‌ها بعد از اجرای طرح با مشکل روبه‌رو می‌شود. اراضی دیم مسیر اجرا، که تا پیش از این بهره‌وری چندانی نداشتند با مجهز شدن به سامانه‌های نوین آبیاری با تغییر الگوی کشت، افزایش بازده و عملکرد در هکتار همراه خواهند شد. بدین ترتیب کشاورزانی که تا پیش از این تنها می‌توانستند محصولات دیمی مانند گندم، جو و نخود بکارند، یک‌باره با آبی شدن اراضی‌شان به کاشت محصولات پربازده و آب‌بر مبادرت خواهند کرد و انقلابی در درآمد و نظام زمین‌داری آنان به‌وجود می‌آید.



شکل ۱. مدل زمینه‌ای چالش‌ها و تهدیدهای طرح انتقال آب رودخانه زاب

خط داستان بعد از مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

برای دستیابی به هدف انتقال آب بین حوضه‌ای، مطالعات امکان‌سنجی یکی از مهم‌ترین مراحل این‌گونه پروژه‌هاست. همچنین با توجه به هزینه‌بر بودن این پروژه‌ها، مطالعات اولیه دقیق سبب بهینه‌شدن طرح‌ها می‌شود (حافظی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷). پروفیسور کاکس در سال ۲۰۰۵، پنج اصل را به‌منظور توجیه یا عدم توجیه پروژه‌های انتقال بین‌حوضه‌ای آب عنوان کرد که اصل اول و دوم مربوط به مسائل اقتصادی، اصل سوم مرتبط با مسائل زیست‌محیطی، اصل چهارم مربوط به مسائل اجتماعی و اصل پنجم بیانگر توزیع عادلانه سود حاصل از اجرای پروژه در دو حوضه مبدأ و مقصد است.

چالش‌های پیش‌روی انتقال آب در منطقه مورد مطالعه با تأکید بر دیدگاه‌های

ذی‌مدخلان

در پژوهش حاضر، براساس یافته‌ها و مقوله‌های ذکرشده دیدگاه‌های ذی‌مدخلان و ذی‌نفعان براساس مقوله مرکزی (مخاطرات و پیامدهای انتقال آب) تحلیل شد. براین‌اساس، مهم‌ترین چالش‌ها در سطح انتقال آب به حوضه دیگر است. در سطحی پایین‌تر نیز مهار آب به شرح موارد زیر است که در قالب درون‌مایه‌های اصلی شناسایی و استخراج شده‌اند.

الف) مخاطرات اجتماعی

مهم‌ترین اثر پروژه انتقال آب بین حوضه‌ای آثار اجتماعی آن است. نگرانی اهالی و نخبگان محلی نیز در منطقه مورد مطالعه قابل‌تأمل است. به‌زعم آنان، بیکارشدن افراد در اثر ازدست‌رفتن زمین‌های زراعی، اختلال در نظام حقایقه‌بری سنتی و ضعیف‌شدن چراگاه‌های حاشیه رودخانه‌ها، به مهاجرت روستاییان به شهرها منجر می‌شود که این مسئله حاشیه‌نشینی را در شهرها تقویت می‌کند. باید توجه داشت در شرایط فعلی هم نزدیک ۳۰ درصد مردمان شهری ساکن در مناطق مورد مطالعه، در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند که این میزان حاشیه‌نشینی فقر، مسائل آموزشی، مصائب بهداشتی و... را برای آنان به‌همراه آورده است؛ بنابراین به‌دست‌آوردن پذیرش اجتماعی

این طرح‌ها کاری سهلی نیست و نیاز به دقت در فاکتورهای گوناگونی از جمله مسائل اجتماعی و فرهنگی در حوضه دارد. از جمله اقدامات در جذب پذیرش اجتماعی ممکن است این باشد که در حوضه دریافت‌کننده آب مصرف‌کنندگان باید از مزایای آب انتقال‌یافته آگاهی یابند و سود و مزایای آن را با حوضه آبد به اشتراک بگذارند. این امر مستلزم شفاف‌سازی و اولویت‌بندی نیازها و خواسته‌های ساکنان حوضه آبد است.

ب) مخاطرات سیاسی

به نقل از منبع واتر پالیتیکس «الکساندر کوستوا» کارشناس بین‌المللی آب، کمبود آب در آینده بر رشد اقتصادی جهان تأثیر می‌گذارد و سرمنشأ بسیاری از چالش‌ها و ناپایداری سیاسی خواهد شد. با تغییرات آب و هوایی مسئله کمبود آب و تأثیر آن سال‌به‌سال بیشتر خواهد شد. این ماده حیاتی بسیار باارزش است و حتی می‌تواند جای نفت را هم بگیرد. تا سال ۲۰۲۵ بیش از نیمی از مردم جهان با کمبود آب شرب مواجه می‌شوند و تا سال ۲۰۵۰ نیز بیشتر از ۷۵ درصد جمعیت دنیا درگیر کمبود آب شرب خواهند شد.

با توجه به هشدارهای بین‌المللی، ۴۶ کشور جهان با جمعیت بیش از ۷ میلیارد نفر با خطر بحران کمبود آب مواجه هستند که اصلی‌ترین دلیل آن تغییرات آب‌وهوایی است، ۵۶ کشور جهان نیز با جمعیت بیش از ۱/۲ میلیارد نفر در خطر بحران جدی ناپایداری سیاسی هستند. همچنین سال‌به‌سال دنیا تشنه‌تر می‌شود، جمعیت افزایش می‌یابد و تقاضای آب در جوامع صنعتی و کشاورزی بیشتر می‌شود. خشک‌شدن چشمه‌های آب هم با سرعت بیشتری از هر زمان در حال افزایش است. ممکن است تغییرات آب‌وهوایی که سبب تغییر نزولات آسمانی می‌شود، مرتب افزایش یابد که به‌رغم کاهش میزان کربن، جایگزینی برای افزایش آن نیست. امروزه کمبود آب به چالش بزرگ سیاسی تبدیل شده که سبب زدو خورد ملل گوناگون برای مرزهای بین‌المللی و قلمرو سیاسی در مسیر رودخانه‌ها و دریاچه‌ها شده است. این مسئله به‌طور فزاینده‌ای سبب تنش‌های مرزی کشورها می‌شود.

ج) قومیتی

انتقال آب از حوضه‌ای به حوضه دیگر در دو سطح همگنی و ناهمگنی فرهنگی، تحلیل‌های

جامعه‌شناختی متفاوتی را به وجود می‌آورد. منظور از همگنی فرهنگی، شرایط قومی و مذهبی یکسان در دو سوی حوضه آبرگیر و آبدۀ است. ناهمگنی فرهنگی هم مبین شرایطی است که این وضعیت در دو حوضه‌های مذکور دارد؛ بدین معنا که جوامع انسانی محدوده‌ها از دو قوم متفاوت باشند؛ برای مثال در جامعه مورد مطالعه کردها حوضه آبدۀ و ترک‌ها حوضه آبرگیر محسوب می‌شوند. در نوع اول در صورت آب مازاد و اولویت‌دادن به جامعه میزبان کمترین تنش و مشکل را داریم، اما در نوع دوم، حتی با وجود آب مازاد و توجه به نیازها و خواسته‌های حوضه آبدۀ، شاهد مقاومت‌ها و معارضت‌های شدید هستیم. براساس یافته‌ها، این وضعیت در منطقه مورد مطالعه که حوضه‌های آبدۀ و آبرگیر نامتجانسی دارند، نمود عینی پیدا کرد؛ یعنی ساکنان حوضه به هیچ‌وجه حتی به صراحت هم حاضر نیستند این انتقال صورت بگیرد و در سطحی بالاتر موافق خروج آب به پایین‌دست (اقلیم کردستان) هستند. از نظر جامعه‌شناختی ریشه این مهم در تاریخ مراودات و تعاملات مردمان منطقه است که ساخت سرمایه اجتماعی در منطقه را در طول زمان درهم می‌شکند و اعتماد متقابل در بده‌بستان‌های بین قومی را تا حد زیادی از بین می‌برد.

د) استفاده از ظرفیت‌های منطقه

با توجه به بررسی‌های میدانی مشخص شد در منطقه مورد مطالعه (حوضه چومان-کلاس) ظرفیت‌هایی برای مصرف آب محدوده وجود دارد که اگر به درستی شناسایی شوند و سیاست‌گذاری‌های درستی در این زمینه صورت بگیرد، می‌توان گفت کمترین هزینه و بیشترین بهره را به همراه خواهد داشت. در مرحله بعد اگر از این ظرفیت‌ها و توان‌های محیطی استفاده شود، آب مازاد را می‌توان با تنش و مقاومت کمتری انتقال داد. نخبگان محلی این مسئله را در بحث‌های گروهی بدین صورت مطرح کردند که به زعم آنان اگرچه شرایط توپوگرافی و شیب منطقه محدودیت‌هایی را در زمینه توسعه اراضی زراعی بر آنان اعمال کرده است، اما توسعه باغ‌ها و آبی‌پروری به عنوان دو گزینه جایگزین می‌تواند قابل طرح باشد. به زعم نظرات کارشناسان، انتقال آب از حوضه چومان-کلاس به حوضه دیگر، سبب تخریب بسیاری می‌شود. مشکلات بسیاری در این مسیر به وجود می‌آید. تخریب در یک نقطه نیز آثار خود را در جای دیگر می‌گذارد و به حقایق جوامع محلی آسیب می‌زند. این مسئله

سبب آسیب به کشور همسایه ما نیز خواهد شد؛ بدین معنا که خشک‌شدن سدها، سبب بروز ریزگردها می‌شود؛ بنابراین این انتقال از نظر اجتماعی و اکولوژی پذیرفتنی نیست. آنان معتقدند مدیریت منابع آب باید با محوریت حوضه مورد نظر باشد. این مسئله در مقوله توجه به توسعه محلی به‌خوبی بازتابی شده که در ادامه آمده است.

ر) توسعه محلی (متوازن منطقه‌ای)

در برنامه‌ای جماعت‌محور، اعضای جماعت در شکل‌گیری مشارکت‌ها، جمع‌آوری اطلاعات، تعیین اولویت مسائل و مشکلات جماعت و شناسایی منابع برای بهبود وضعیت و توسعه جماعت نقشی مؤثر را برعهده می‌گیرند. در این چارچوب، برنامه با تلاش افرادی شروع می‌شود که در جماعت زندگی می‌کنند. آن‌ها مسئولیت اولیه را برای تعیین کانون فعالیت‌ها در هر سطحی از جمله جمع‌آوری و تفسیر اطلاعات، ارزیابی منابع، شناسایی مشکلات و تدوین راهبردها برای مواجهه با این مشکلات برعهده خواهند داشت.

هدف پژوهش حاضر به‌نوعی توجه به این اجتماعات محلی و بازتاب دیدگاه آنان برای اجرای طرح است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نخبگان محلی اولویت را در توسعه محلی می‌بینند و باورداشت‌ها و ارزش‌های توسعه محلی در میان آنان بسیار پررنگ است که این باورداشت‌ها و ارزش‌ها در قالب موارد زیر بیان می‌شود:

۱. از دیدگاه توسعه محلی، مردم حق مشارکت در تصمیم‌گیری تأثیرگذار بر زندگی‌شان را دارند. تجارب میدانی نشان می‌دهد سایت‌ها و منابع اطلاع‌رسانی محلی در قالب مصاحبه‌ها، یادداشت‌ها، نقدها و... به درک و اهمیت این موضوع پرداخته‌اند. این امر حاکی از آن است که مردم منطقه در تصمیم‌گیری‌های مهم برای زندگی خود، به‌ویژه زمانی که بحث معیشت، آب و انتقال در میان است، بیش‌ازپیش حساس هستند و به‌نوعی درصدد سطوح مختلف مشارکتی، با استفاده از ابزارهای مختلف برمی‌آیند.

- مردم حق دارند برای ایجاد محیطی مطلوب تلاش کنند. براین‌اساس مطلوبیت در استفاده بیشتر از منابع آبی معنا پیدا کرده است. با انتقال آب، مردم محلی احساس محرومیت نسبی، ناامنی روانی، دزدی منابع سرزمینی و گرفتارشدن در فقر معیشتی را تصور می‌کنند. متن

مصاحبه‌ها نیز نشان می‌دهد مصرف آب در محدوده، محیطی مطلوب را برای آنان رقم می‌زند نه انتقال آب.

- مردم محلی حق دارند آگاهانه تصمیم بگیرند و شرایطی را که از بیرون بر آن‌ها تحمیل می‌شود، رد یا تعدیل کنند.

- در فرایند توسعه محلی، ادغام افراد در اجتماع، پتانسیل موفقیت طرح‌های توسعه‌ای را افزایش می‌دهد. براساس بحث‌های گروهی با ذی‌ربطان، سرمایه اجتماعی نهادی در منطقه در سطح بالایی قرار ندارد و اصرار بر انجام چنین طرح‌هایی بدون توجه به دیدگاه‌های آنان، ضمن تشدید شکاف میان کارگزاران توسعه و مردم محلی، این سرمایه اجتماعی را در معرض شکنندگی بیشتر قرار می‌دهد؛ به طوری که نه تنها ادغام اجتماعی صورت نمی‌گیرد، بلکه واگرایی اجتماعی به ساختار حاکمیت هم دور از ذهن نیست. امروزه نمی‌توان محیط‌زیست را بدون در نظر گرفتن فرهنگ و سیاست تحلیل کرد. از دیدگاه مردم دستکاری محیط‌زیست، دستکاری فرهنگی است و نوعی سیاست‌ورزی نادرست قلمداد می‌شود.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ ایمانی جاجرمی، حسین و فرضی‌زاده میاندهی، زهرا (۱۳۸۴)، **روش‌های کاربردی تحقیق: کاربرد نظریه بنیانی**، تهران: انتشارات کیهان.
- حافظی‌زاده، سولماز؛ هاشمی، غلامرضا و الماس‌پور، فرهاد (۱۳۸۷)، «انتقال آب حوضه‌ای و چالش‌های پیش روی آن»، **سومین کنفرانس مدیریت منابع آب ایران**، تبریز: دانشگاه تبریز.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵)، **اصول و روش‌های پژوهش کیفی**، تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی.
- حلبیان، امیرحسین و شبانکاری، مهران (۱۳۸۹)، «مدیریت منابع آب در ایران (مطالعه موردی: چالش‌های انتقال آب از بهشت‌آباد به زاینده‌رود)»، **چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام**، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۱)، «روایت، روایتگری و تحلیل‌های شرح‌حال‌انگاران»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی، شماره ۱: ۶۹-۹۸.
- سلطانی، ناصر؛ موسوی، میرنجف و احمد اقبال، گلاویژ (۱۳۹۵)، «ارزیابی پیامدهای احتمالی انتقال آب حوضه زاب به دریاچه ارومیه»، مجله جغرافیا و پایداری محیط، شماره ۱۹: ۳۵-۵۱.
- شلوالد، لیدا؛ کلی، وندر و ریخرکرگ، لیندا (۱۳۹۶)، مدیریت پایدار آب در یک بستر فرهنگی، ترجمه صادق صالحی و لیلا کریمی، زیر چاپ.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- قدرت‌نما، قهرمان (۱۳۸۹)، «انتقال حوضه به حوضه آب معیارها و سیاست‌ها»، سمینار انتقال بین حوضه‌ای آب و نقش آن در توسعه پایدار کشور، دانشگاه صنعت آب و برق، تهران.
- فتوانی، عزت‌اله؛ خضری، سعید و طالب‌پور، داود (۱۳۹۴)، «ارزیابی اثرات آب بین حوضه‌ای بر مخازن آب زیرزمینی و نشست زمین (مطالعه موردی: انتقال آب رودخانه زاب به دریاچه ارومیه)»، مجله پژوهش ژئومورفولوژی کمی، شماره ۲: ۶۵-۸۸.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶)، «بررسی بحران آب و پیامدهای آن در کشور»، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، دفتر مطالعات زیربنایی.
- مجله سبزینه (۱۳۹۵)، ویژه‌نامه آب و منابع طبیعی، سال اول، شماره ۶۶.
- محمدولی سامانی، جلال (۱۳۸۴)، «مدیریت منابع آب و توسعه پایدار»، معاونت پژوهشی مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات زیربنایی): ۱-۳۵.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق تلفیقی در علوم رفتاری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- محمدی، علی اکبر و علیپور، حسن (۱۳۹۶)، «عوامل مؤثر بر توسعه سامانه‌های نوین آبیاری از دیدگاه کارشناسان جهاد کشاورزی استان‌های تهران و البرز»، *نشریه پژوهش آب در کشاورزی*، جلد ۳۱، شماره ۳: ۴۵۵-۴۶۸.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶)، «گزارش مسئله و وضعیت بحران آبی در ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.
- African Development Bank, (2001), "Handbook on Stakeholder Consultation and Participation in adb Operations", **Oesu**.
- Alasutari, P. (1996), "Researching Culture: Qualitative Method and Cultural Studies", London: Sage.
- Bergkamp, G. et al. (2010), "Water and Development in the Urban Setting", **International Water Institute** (Siwi).
- Cox, W. E. (2005), "Determining When Interbasin Water Transfer Justifiedm", Criteria for Evaluation.
- Denzin, N., and Lincoln, Y. (2005), "The Sage Handbook of Qualitative Research", Third Edition, Sage Publication.
- Neuman, L. (2006b), "Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches", Third Edition, London: Allayn and Bacon.
- Ritchie, J., and Lewis, J. (2005), "Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers", London: Sage Publication
- Shiklomanov, I. A. (2000), "Appraisal and Assessment of World Water Resources", **Water International**, Vol. 25, No. 1: 11-32.
- Unesco. (2008), "Interbasin Water Transfer", **International Hydrological Programme**, No, 28: 124-27